

Finding a Way Out of the Iranian Nuclear Crisis

by Abbas Maleki and Matthew Bunn

Managing the Atom Project, Harvard University (Farsi translation), March 2006

طرح پیشنهادی پژوهشگران

هاروارد برای حل و فصل بحران اتمی ایران

کارشناسان آمریکایی و ایرانی، گامهای واقعی را برای رسیدن به موافقت پیشنهاد می کنند

پژوهشگران برجسته هاروارد، از ایالات متحده و ایران، با تشریح مساعی طرحی را عرضه کرده اند که هدف آن حل و فصل بحران اتمی ایران است. عباس ملکی، مدیر کل موسسه بین المللی مطالعات دریای خزر و معادن سابق وزارت امور خارجه ایران، به همراه ماتیو بان، مشاور سابق خلع سلاح در دفتر برنامه ریزی علم و فن، مستقر در کاخ سفید، تاکید می کنند که: "هرگونه راه حل پذیرفتنی، باید حداقل انتظارات طرف های بحران را برآورده سازد." و بنابراین، این دو پژوهشگر، برای دستیافتن به چنین راه حلی، به طرح مراحل مشخص پرداخته اند. بان، پژوهشگر ارشدی است که با "مدیریت پروژه اتم" همکاری دارد؛ و ملکی، پژوهشگر ارشد "پروژه اختراع فن آوری انرژی"، و "برنامه امنیت بین المللی" است.

بیرون رفت از بحران اتمی ایران

عباس ملکی و ماتیو بان

درحالی که شورای امنیت، درگیر بحث پیرامون برنامه اتمی ایران است، بوی درگیری به مشام می رسد. ایران کشوری سربلند است و سابقه ایستادگی در برابر فشار بیگانه را دارد و بنظر می رسد که این کشور به پیشنهادهای جدی، واکنش مناسب تری نشان می دهد تا به آن چه که باج شمرده می شود. در پاسخ به تحریم های شورای امنیت، ایران ممکن است تهدید خود را به خروج از معاهده منع تسلیحات اتمی عملی سازد. حمله نظامی، و پاسخ های غیر قابل اجتناب ایران، برای اطراف قضیه، خطرهای نامعلومی را بیار خواهد آورد. همه اطراف قضیه، پیش از آن که رودرویی اجتناب ناپذیر شود، باید برای دستیابی به پیشنهادهای جدید برای حل و فصل بحران سخت بکوشند.

هرگونه راه حل پذیرفتنی، باید حداقل انتظارات طرف های بحران را برآورده سازد. این حداقل انتظارات برای ایران عبارتست از: انرژی اتمی غیرنظامی قابل اطمینان، حفظ حقوق این کشور برابر معاهده منع تسلیحات اتمی، رعایت غرور و توسعه فن آورانه ایران، و حصول اعتماد خاطر نسبت به عدم حمله به ایران. برای ایالات متحده و اروپا، حداقل انتظارات عبارتست از: ایران فاقد تسلیحات اتمی، وجود فاصله زیاد و واقعی بین فعالیتهای اتمی که ایران مایل است انجام بدهد و امکانات این کشور برای تسلیحات اتمی، همکاری تام و تمام ایران در بازرسی ها (و از جمله روشن ساختن همه پرسش های مربوط به فعالیت های اتمی گذشته). شکایت های دیرپای غرب درباره دیگر سیاست های ایران و نیز شکایت های ایران از غرب، باید عنوان شود؛ اما بنظر نمی رسد که همه این مشکلات را بتوان در نخستین قرارومدار اتمی، چاره جویی کرد.

کانون نگرانی در بحران اتمی، گسترش "دستگاه های مرکز گریز" ایران در جریان غنی سازی اورانیوم است. تکنولوژی ای که ایران استدلال می کند برای تهیه سوخت موردنیاز رآکتورهای طرح ریزی شده، لازم دارد؛ اما این خود می تواند نیاز سوخت بمب اتمی را نیز تامین نماید. وقتی کسی در تهیه این سوخت مهارت پیدا کند، آنوقت دستگاههای کوچک مرکزگریز را می توان به سادگی پنهان ساخت.

روسیه پیشنهاد کرد که یک شرکت روسی - ایرانی تشکیل شود که در روسیه، و بی آن که جریان غنی سازی در خود ایران انجام شود، سوخت غنی شده را برای رآکتورهای ایران تولید کند. این شرکت، دستگاه های مرکز گریز روسی را بکار می گیرد و دانشمندان ایرانی به آنها دسترسی نخواهند داشت. مذاکرات اخیر در مسکو و تهران به بن بست رسید. ایران، که تاکنون تاخیرهای روسیه را در تحویل ملزومات اتمی تجربه کرده است، روی توسعه دستگاه های مرکزگریز، بوسیله خودش تاکید می ورزد، در حالی که ایالات متحده و کشورهای اروپایی، این موضع را رد کرده اند.

پیشنهاد روسیه، در صورتی که با چندین مرحله تکمیلی دیگر همراه بود، می توانست منافع همه اطراف بحران را تامین کند. در وهله اول، طرف های بحران طی سه مرحله باید تضمین کنند که در سوخت رآکتورهای ایران وقفه ای حاصل نخواهد شد. این سه مرحله عبارتند از: (۱) تهیه کنندگان سوخت اتمی کنسرسیومی تجاری تاسیس نمایند و تضمین بدهند که اگر در تحویل سوخت روسیه به ایران وقفه ای رخ دهد، وارد عمل شوند. (۲) ایالات متحده، روسیه، و دیگر کشورها باید اورانیوم غنی شده را به یک بانک سوخت (اتمی) که بوسیله سازمان انرژی اتمی اداره می شود بدهند و چنانچه در تحویل سوخت (به ایران) وقفه ای رخ داد، این بانک مطابق مقرراتش،

ملزم خواهد بود که سوخت را (به ایران) عرضه نماید، مگر این که شورای امنیت دستور عدم تحویل را صادر کند. (۳) و سرانجام، ایران و قدرت های بزرگ باید ذخیره ای از خود سوخت اتمی را برای حدود سه سال در ایران نگهدارند (چیزی شبیه "استراتژی ذخیره نفت ایالات متحده").

دوم، ایران و دیگر طرف های این اختلاف، باید به برگزاری یک گردهمایی بین المللی بپردازند و در این گردهمایی، همه جوانب سیاسی، امنیتی و اقتصادی ذیربط را بررسی کنند. در این گردهمایی، باید ریشه های قدیمی دشمنی آمریکا - ایران را به بحث بگذارند، و بر سر گام هایی برای تقویت امنیت دستجمعی در خلیج فارس، و بازگشایی مذاکرات ایران و کشورهای اروپایی برای انعقاد یک پیمان تجاری تازه، به موافقت برسند.

سوم، همه شرکت کنندگان در این گردهمایی (از جمله ایالات متحده) باید ایران را مطمئن سازند که تا وقتی که این کشور قرار و مداراتمی را رعایت نکند و مرتکب تجاوز یا باعث تجاوز نشود، قصد حمله به او را ندارند و در پی تهدید برای سرنگونی حکومتش نیستند. چنین تعهدی برای تغییر این طرز تلقی ایرانیان، که ایران نباید امکان داشتن تسلیحات اتمی را از دست بدهد، لازم می باشد. ایران، آمادگی خود را، برای امضاء پیمان های عدم تجاوز متقابل با همسایگانش اعلام کرده است. اگر ایالات متحده، می تواند چنین گفتگو و قرارهایی را با کره شمالی بگذارد چرا نتواند با ایران به همین گونه برخورد نماید؟

متقابلاً، ایران، درحالی که حق مسلم غنی سازی را دارد، موافقت خواهد کرد که این حق را برای مدتی معلق بگذارد (همان گونه که آمریکایی ها مطابق قانون اساسی خود حق دارند که اسلحه داشته باشند، اما بسیاری از آنان از این حق استفاده نمی کنند). چنین راهبردی، ایران را از حقوقی که با معاهده منع تسلیحات اتمی، برای استفاده مسالمت آمیز (از انرژی اتمی) دارد، محروم نمی سازد. در واقع، باید دانشمندان ایرانی را دعوت کرد تا در جریان توسعه بین المللی پیشرفته ترین فنون اتمی و فن آوری انرژی غیر اتمی، که خطر امنیتی اندکی را موجب می شود، شرکت جویند. همچنین، ایران، به تصویب پروتکل اضافی (که بازرسی های بیشتر سازمان انرژی اتمی را مقرر می دارد) اقدام می کند و در پاسخ دادن به پرسش های سازمان انرژی اتمی، که تاکنون بی پاسخ مانده، و نیز از جمله انجام داوطلبانه گام هایی فراتر از پروتکل اضافی، همکاری فعالانه خواهد داشت.

متخصصان موسسه فنی ماساچوست، راهبرد دیگری را پیشنهاد کرده اند که می تواند بن بست کنونی را بگشاید (اگر بطور سنجیده، حداقل انتظارات طرف های بحران برآورده شود). پیشنهاد

یادشده عبارت است از این که، یک شرکت نیروگاه غنی سازی در ایران تاسیس شود (و این کار، تمایل ایرانیان را به داشتن غنی سازی در خود ایران، برآورده می کند)، اما در این نیروگاه، کارکنان بین المللی به صورت شبانه روزی حضور دارند، و دستگاه های مرکزگریز کارآمد اروپایی، که در "جعبه های سیاه" نگاهی می شوند، بکار گرفته خواهد شد (و این تقاضای غربیان را که نمی خواهند به ایران توان مستقل فن آوری "دستگاه های مرکزگریز" را بدهند، بر می آورد). ایران و کشورهای اروپایی – و احتمالاً روسیه و چین – که مشترکاً مالکیت چنین نیروگاهی را خواهند داشت، می کوشند تا این نیروگاه را از تبدیل شدن به کارگاه تسلیحاتی، و نیز از جذب شدن به مالکیت ملی، بازدارند. این ها، نیروگاه را مشترکاً با انجام بازرسی های مداوم و دقیق بین المللی اداره می کنند. (اداره "جعبه سیاه" نیز بهمان گونه خواهد بود که حقوق مالکانه فن آوری اروپاییان در نیروگاه تازه ای که در ایالات متحده تاسیس شده، حفظ می شود). این قدم ها، می تواند با التزام به عدم حمله، گفت و گوی سیاسی، انجام بازرسی، و توقف جریان غنی سازی توسط ایران، چنان که شرح داده شد، همراه باشد.

به جای درگیری و همه خطرهایی که از درگیری حاصل می شود، طرف های این بحران، می باید اختلافات تاریخی خود را کنار بگذارند و برای حل بحران راه های آبرومندانه ای بیابند. در پشتیبانی از ایرانیان، تا بتوانند در پذیرش چنین راهبردی کامیاب شوند، ایالات متحده و دیگر قدرت های بزرگ باید پیشنهادهای خود را مطرح کنند و به مردم ایران نشان دهند که خویشتن داری اتمی و همراهی آنان درین راه، ملتشان را به سوی صلح و خوشبختی رهنمون می شود.

(برنامه علم، فن و سیاست های عمومی – مرکز بلفر برای علوم و امور بین المللی –
دانشکده حکومت جان اف. کندی – کامبریج – ماساچوست)

Science, Technology, and Public Policy Program

Belfer Center for Science and International Affairs

John F. Kennedy School of Government

79 JFK St., Cambridge, MA 02138

Tel. 617-496-5574 Fax. 617-495-8963

Please send technical questions and comments to stpp@ksg.harvard.edu

© 2003 by the President and Fellows of Harvard College